

حجت الاسلام حیاتی:

برخی از عالمان
برجسته اهل
سنت حنفی
کتاب نوشتند تا
اثبات کنند که
سب صحابه،
کفر نیست

خوانده و محکوم می کند. در مقابل داعش می گوید ما می گفتیم طالبان مرتد است، اما کسی باور نمی کرد، حالا شاهد از غیب رسید ما به معبد شرکی رافضه و اهل سنت صوفی طریقت سیفیه حمله کردیم اما طالبان این جماعت مشرک را مسلمان خواند، لذا طبق قاعده «من لم یکفر الکافر، فهو کافر» طالبان کافر است. [۵] بنابراین آنچه گفته شد داعش با خوانش ویژه ای که از توحید و شرک دارد اقدامات طالبان را کفرآلود و آمیخته به شرک می داند، لذا او را مرتد می پندارد و نوبت به مسأله خلافت خلفا نمی رسد.

حجت الاسلام حیاتی: نکته مهم این است که کتب اصلی و مرجع اهل سنت در فقه و عقیده مشخص است، طالبان یک جنبش سنی است که منابع و آثار مورد اعتماد او در فقه و عقیده مشخص است. در فقه پیرو مذهب حنفی است، در عقیده پیرو عقیده ماتریدیه است. به عبارت دیگر براساس چند مؤلفه عقیده، فقه، کتاب و شیخ می توان تصویر جامعی از رویکرد طالبان ارائه کرد. ابوحنیفه امام اعظم فقه احناف است، برحسب اعتراف طالبان، رویکرد ابوحنیفه ضد تکفیری است، او برای اسلام و ایمان چهارچوبی ارائه کرده که شیعه هم در آن می گنجد. اگر شما سراغ آثار ابوحنیفه بروی و این سؤال را بپرسید: آیا باور و اعتقاد به اینکه انبیا و اولیای خداوند می توانند به اذن الله در عالم تصرف کنند، کفر و شرک است یا خیر؟ اگر کسی آمد یک چیزی را برای الله نذر کرد، اما ثوابش را به اولیای الهی هدیه کرد، آیا به شرک در عبادت افتاده و از دایره اسلام بیرون می رود یا خیر؟ می گوید: خیر، اینها شرک و کفر نیست. نیت شما پرستش غیر خدا نبوده، پس شرک در عبادت رخ نداده است. این نگاه در کتب ایشان مثل فقه اکبر، الوصیه، العالم و المتعلم، عقیده طحاوی و... تأیید شده. بنابراین وقتی اعتقاد مورد اعتماد نزد جمهور شیعه یا سنی اشعری و ماتریدی پیرو مذاهب فقهی را به این آثار ابوحنیفه عرضه می کنید، می بینید ابوحنیفه هم شیعه را مسلمان می داند هم سنی را.

شما گفتید طالبان از مدرسه دیوبند است. مدرسه دیوبند فقه حنفی، کلام ماتریدی و میل به تصوف دارد و به همین دلیل می فرماید تکفیری نیست ولی از دل همین دیوبندیه جریان های تکفیری مثل سپاه صحابه بیرون آمده. نظر شما چیست؟

حجت الاسلام حیاتی: سؤال بجایی است. اینجا دو مطلب مهم وجود دارد: مطلب اول این است که برخی از فتاوی تکفیری صادر شده از سوی برخی از دیوبندیان بر دلایلی غیر واقعی بنا شده است این مطلب هم معلول جهل آنهاست. به عنوان مثال در کتاب فتاوی عالمیه یا فتاوی هندیه از دیوبندیه به خاطر چند مسأله گفته شده شیعه کافر هست. مثلاً می گوید شیعه کافر است چون معتقد است: «علی کافر است!» آیا شما به عنوان شیعه، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب را کافر می دانید؟! قطعاً این سخن کذب است. بنابراین بخشی از فتاوی تکفیری بر دلایل موهوم این چنینی مبتنی است. اینجا با ارائه تصویر صحیح از شیعه می توان مانع بروز هرگونه تندروی و نفرت پراکنی شد. مطلب دوم آن است که برخی از این فتاوا با مبنای مذهب حنفی در تضاد است، وقتی خوارج با وجود سب و تکفیر صحابه، از نگاه عالمان اهل سنت احناف و دیگران، مسلمان اند، دیگر یک عالم حنفی نمی تواند مجرد سب صحابه را کفر بداند، بنابراین اگر مجرد سب صحابه کفرانگاری شود، باید خوارج نیز به دلیل تکفیر صحابه تکفیر شوند چرا که تکفیر و قتال بالاتراز سب است، طالبان معتقد است رسول خدا فرموده که «سباب المؤمن فسوق» سب مؤمن گناه و فسق است، رسول خدا نفرموده اند: «این کار کفر است». لذا به